یادداشت

مسئله عصاره فضائل ملت بودن

ادامه از صفحه اول

او همچنین در مقدمه کتاب «اصول اخلاقیات و قانون‌گذاری» معتقد است که هدف قانون‌گذار باید این باشد که حداکثر آسایش و رفاه را برای حداکثر افراد جامعه تأمین کند، البته نقش مجالس و پارلمان‌ها در کشورها و نظام‌های حکومتی متفاوت است. در برخی نقش اول و تأثیرگذار و در بعضی از کشورها جنبه نمایشی و نمادین و در تعدادی دیگر موقعیت بینابینی را ایفا می‌کنند. اما فصل مشترک اساسی و عمده این نهادها برآمدن آنها از رأی مستقیم مردم و حضور نمایندگان طبقات مختلف اجتماعی به‌ویژه نخبگان در پارلمان و کنترل خودرأیی مقامات کشورهاست. در ایران نیز تشکیل مجلس از دوره مشروطه آغاز و در نظام مشروطه ۲۴ دوره و در عصر جمهوری اسلامی ایران نیز تاکنون ۱۱ دوره آن تشکیل شده است. در ارزیابی مجالس بعد از انقلاب می‌توان به اعتباری آن را به دو بخش مجلس اول تا ششم و هفتم به بعد تقسیم کرد. در دوره‌های نخستین نمایندگان مردم عموما از میان شخصیت‌ها و افراد شناخته‌شده از جناح‌های گوناگون فکری و سیاسی که از سوابق مبارزاتی در نظام قبل و همچنین مجاهدت در دوران دفاع مقدس را در کارنامه داشتند، انتخاب شدند. ویژگی حاضران در این مجالس به‌ویژه مجلس اول موجب شد که بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران مجلس را «عصاره فضائل ملت» بداند و آن را سرمشقی برای مجالس آینده قرار دهد. اما از مجلس هفتم به بعد و به‌تدریج با برجسته‌شدن نظارت استصوابی و اعمال آن از سوی شورای نگهبان و دیگر نهادهای نظارتی موجب شد که امکان حضور بسیاری از نخبگان در عرصه انتخابات کاهش یافته و افرادی که کمتر از سوابق مبارزاتی و انقلابی برخوردارند، به مجلس راه یابند، با چنین رویکردی مشارکت و استقبال مردم از انتخابات‌های مجلس کاهش یافت و اعتبار و پایگاه مردمی مجلس تضعیف شد . لاجرم راه‌یافتگان به مجلس کنونی برای جبران کاهش نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری خود مبادرت به انجام اقداماتی کردند که حضور آنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی احساس شود. تصویب طرح‌های فرعی و تنش‌زا و منحرف‌ساختن لوایح دولت از اهداف اصلی آن و ایراد نطق‌های تند و اختلاف‌برانگیز، ضعف مجلس را بیشتر نمایان کرد.

مجلسی که باید غمخوار و دغدغه‌مند نگرانی‌ها و مشکلات مردم باشد، برخی نمایندگان با تبدیل آن به مرکزی برای مرگ بر این و بر آن، مسیر انتقام را به جای انتقاد برگزیده و با اتهام‌های ناصواب به شخصیت‌های ملی، و خائن و جاسوس‌خواندن آنها به روش منسوخ نفی دیگران برای اثبات خویش دست یازیده‌اند. البته نقد هر ایده، عملکرد و نظری چنانچه عالمانه، مشفقانه، منصفانه و مستند به اخبار و اطلاعات دقیق و آراسته به زیور اخلاق باشد، امری پسندیده و شایسته تحسین است، اما بیان سخنانی که دور از شأن و جایگاه مجلس و ملت و فرهنگ ملی ایران است و بوی انتقام از آن به مشام می‌رسد، شایسته مجلس شورای اسلامی نیست و کلام آخر اینکه این پرسش از نمایندگان مجلس، مطرح است که رفتار و گفتار و عملکرد آنان کدام‌یک از فضلیت‌های ملت را نمایندگی می‌کند؟ و کدام‌یک از مشکلات کشور و نگرانی‌ها و رنج و دردهای مردم را برطرف کرده است؟

امارات؛ بدلکار و نیابتی اسرائیل

ادامه از صفحه اول

این ظاهر شگفت‌آور اما باطنی غیر از این دارد. امعان نظر در تاریخ نداشته یا دست‌کم تاریخ تاریک امارات و سیاست خارجی درپیش‌گرفته آن، رویکرد جاری او را در قبال تحولات منطقه و حتی فراتر از آن توجیه می‌کند.

«امارات عربی متحده» مرکب از هفت امارت‌نشین است که در دوره پیشاصلح بریتانیایی (Pax Britanica) نوعا به دزدان دریایی اشتهار داشتند. آنها با شروع دوره صلح بریتانیایی، قافیه را تنگ دیدند و به خدمت استعمار انگلیس درآمدند و به دلیل این خوش‌خدمتی، «امارات متصالحه» لقب گرفتند. در سال ۱۳۵۰ و در پی خروج نیروهای انگلیس از شرق سوئز (ازجمله شامل جنوب خلیج فارس)، امارات هفت‌گانه مزبور، «کشوری» به نام امارات عربی متحده را تشکیل دادند. «کشور» جدید گو آنکه تشکیل شد و به عضویت سازمان ملل متحد درآمد و کشورهای گوناگونی هم آن را به رسمیت شناختند، لیکن بنا به دلایلی همچون موزائیکی‌بودن، کم‌معونگی جمعیتی (زیر یک میلیون جمعیت بومی)، فقدان هویت یا دست‌کم تاریک پیشینگی، تسلط تقریبا تک‌خاندانی (خاندان آل‌نهیان)، ناترازی حل‌نشدنی بین مدرن‌سازی و تمدن نداشته در دوره بعد از استقلال و در یک جمله بدل‌شدن به کاخی شیشه‌ای و سایر دلایل نتوانست در قامت یک کشور با مشخصات بماهو کلمه ظاهر شود. برون‌سپاری امنیت و مدیریت داخلی به انگلیس (در ادامه راه استعماری قدیم) و آمریکا (در تکمیل استعمار قدیم با استعمار جدید) و به صورت نامرئی اسرائیل و اتخاذ سیاست خارجی تهاجمی و به‌شدت ماجراجویانه که پشتوانه ثروت افسانه‌ای نفتی و سپس تجاری را با خود دارد، راهبرد اماراتی‌ها در مواجهه با کوتولگی هویتی و ذاتی است. با توجه به مراتب پیش‌گفته، دست‌درازی چنین کشور و حکومتی به کشورهای منطقه و فرامنطقه که در آتش جنگ خارجی و داخلی می‌سوزند، نمی‌تواند غیرعادی به نظر برسد. همراهی با اهداف شوم و غارتگرانه نظام سلطه و نیابتی‌های او در جنگ‌های یمن، لیبی، سومالی و سودان، مصادیق دست‌درازی اشاره‌شده در بالاست. این دست‌درازی به بارزترین شکل ممکن سیاست‌های استعماری آمریکا و اقدامات توسعه‌طلبانه و تجاوزکارانه اسرائیل مبتنی بر کوچک‌سازی کشورهای بزرگ و حتی مینیمالی‌کردن آنها را به‌ویژه وقتی سوژه کشوری اسلامی باشد، نمایندگی می‌کند.

اینکه امارات نه‌تنها اسرائیل را به رسمیت می‌شناسد، بلکه طلایه‌دار پیوستن به توافق‌نامه‌ای استعماری به اسم «صلح ابراهیم» می‌شود، اینکه امارات برای توجیه این طلایه‌داری از ضرورت تسامح و تساهل در قبال جنایات بی‌حدوحصر اسرائیل سخن می‌گوید (درحالی‌که خود در آتش‌بیاری خونین‌ترین جنگ‌ها هیچ مکث و ملاحظه‌ای به خرج نمی‌دهد)، اینکه امارات برای خوش‌خدمتی به دشمنان ایران موضوع بلاموضوعی همچون جزایر همیشه ایرانی تنب‌ها و ابوموسی را در هر کوی و برزنی مطرح می‌کند و برای کشوری که در جنگ با اسرائیل است شاخ‌وشانه می‌کشد و با نمک‌به‌حرامی، چشم‌داشت ارضی روا می‌دارد (نمک‌به‌حرامی از این جهت که اگر ایران در آذر ۵۰ به تشکیل امارات رضایت نمی‌داد، هیچ‌گاه «کشوری» به نام امارات عربی متحده امکان عرض‌اندام نمی‌یافت) و این را که امارات برای به فراموشی سپردن نسل‌کشی اسرائیل در غزه یا حداقل تحت‌الشعاع قراردادن خبر آن فاجعه، خود با حمایت از نیروهای واکنش سریع سودان به‌طور غیرمستقیم نسل‌کشی راه می‌اندازد و زنگ تفریح برای آن رژیم جنایتکار به صدا درمی‌آورد، باید در راستای مأموریت ذاتی امارات عربی متحده در نیابتی عمل‌کردن اسرائیل دید.

تحت فرمان اسرائیل بودن امارات یادآور آن ضرب‌المثل معروف است که گو آنکه عامیانه می‌نماید لیکن شاید مصداقی مناسب‌تر از امارات نیابد؛ «نوکر ما نوکری داشت، نوکر او چاکری».

ابرشهر آمریکایی آماده پذیرش زهران ممدانی است؟

میراث آلمانی‌ها برای نیویورک

بسیاری زهدان ممدانی را ادامه‌دهنده راه جورج لان می‌دانند. اما از نظر بسیاری از آمریکایی‌ها آرمان‌های لان در نهایت در ایالت نیویورک شکست‌خوردند. همین شکست باعث شد پس از آن سوسیالیست‌ها بال‌وپر بسته باقی بمانند. بسیاری از آمریکایی‌ها از همین حالا ظهور و پیروزی ممدانی را برابر با شکست نیویورک می‌دانند

مهسا مژدهی: نیویورک دهه‌هاست که به پایتخت پول و سرمایه بدل شده است. به همین دلیل وقتی زهران ممدانی به عنوان یک سوسیالیست وارد گود رقابت برای به دست گرفتن ساختمان شهرداری آن شد، موجی از ناباوری و سپس حمله به او از سوی رسانه‌های جریان اصلی در ایالات متحده شکل گرفت. برای ساکنان جوان نیویورک، روزگاری که شهر به طبقه متوسط و حاشیه‌نشینان و کارگران اجازه نفس‌کشیدن می‌داد و آنها فرصت تحصیل رایگان، خرید خانه و استفاده از حمل‌ونقل عمومی ارزان را داشتند، آسان نیست. اما تاریخ پرفرازوفرود نیویورک داستان‌هایی برای روایت دارد. داستان‌هایی که روشن می‌کنند چرا نیویورکی‌ها برای این مرد جوان مسلمان با چهره شرقی و شیعه فرش قرمز پهن کرده‌اند.

اولین جرقه‌های سوسیالیستی در ابرشهر

نیویورک به عنوان شهری با مهاجران پرشمار اروپایی و جمعیت بالای کارگران صنعتی، از اواخر قرن نوزدهم با ایده سوسیالیسم آشنا شد و به آن روی خوش نشان داد. در آن زمان یهودیان شرق اروپا، آلمانی‌ها و ایتالیایی‌ها با ایده‌های اروپایی پا به سرزمین ناشناخته گذاشته بودند.

پس از انقلاب‌های اروپایی ۱۸۴۸ که با نام بهار ملت‌ها شناخته شد، مهاجران اروپایی به‌ویژه از آلمان راهی آمریکا شدند. این انقلاب‌ها هرچند بورژوایی محسوب می‌شدند اما در شرایطی که مارکسیسم در مراحل ابتدایی پاگیری بود، تضاد هولناک میان طبقه کارگر و طبقه بورژوا و ثروتمندان را آشکار کردند. مهاجران اروپایی که گروهی از آنها در نیویورک ساکن شدند، با چنین مفاهیمی آشنایی نسبی داشته و آن را برای ساکنان قبلی به ارمغان آوردند.

در سال ۱۸۵۱ جوزف وایدمایر، ناشر آلمانی و از وفاداران به کارل مارکس که در انقلاب ۱۸۴۸ آلمان شرکت داشت، به ایالات متحده مهاجرت کرد و ساکن نیویورک شد. او تقریبا بلافاصله بعد از رسیدن به این شهر، دو روزنامه سوسیالیستی آلمانی‌زبان را کلید زد و هشت سال بعد دای ریفورم را راه انداخت که به ارگان حزب کارگر آمریکایی تبدیل شد. وایدمایر فردی است که مارکس او را بهترین، وفادارترین و توانمندترین همکار خود توصیف کرده بود و جدی‌ترین نماینده مارکس و انگلس در آمریکا به حساب می‌آمد.

روزی که اینترناسیونال اول به نیویورک منتقل شد

اینترناسیونال اول (یا همان انجمن بین‌المللی کارگران، تأسیس‌شده در ۲۸ سپتامبر ۱۸۶۴ در لندن) یک سازمان کارگری بین‌المللی به حساب می‌آمد که هدف آن هماهنگی جنبش‌های سوسیالیستی و کارگری در اروپا و فراتر از آن بود. اینترناسیونال اول از ابتدا با شکاف‌های ایدئولوژیک دست‌وپنجه نرم می‌کرد. مارکسیست‌ها به رهبری مارکس و فردریش انگلس بر سازماندهی طبقاتی و مبارزه سیاسی تأکید داشتند، در حالی که آنارشیست‌ها به رهبری میخائیل باکونین بر فدرالیسم، اعتصابات مستقیم و رد دولت مرکزی اصرار می‌ورزیدند. در دو کنگره لاهه و ژنو اختلافات به نقطه اوج خود رسید و در نهایت آنارشیست‌ها از اینترناسیونال اخراج شدند. در همان زمان، مارکس و انگلس دریافتند که جنبش کارگری در ایالات متحده با مهاجرت کارگران آلمانی و اروپایی در حال گسترش بوده و مورد استقبال قرار گرفته است. رهبران آمریکایی مانند ژوزف وایدمایر و آدولف سورک از حامیان سرسخت مارکس بودند و شعبه‌های فعالی در نیویورک، شیکاگو و سنت لوئیس به راه انداخته و طرفدارانی داشتند. باور مارکسیست‌ها آن بود که انتقال اینترناسیونال اول به آمریکا می‌توانست آن را از سرکوب اروپایی نجات دهد و به گسترش مارکسیسم در قاره جدید کمک کند.

در کنگره لاهه که در سپتامبر ۱۸۷۲ برگزار شد، شورای عمومی به پیشنهاد مارکس درباره اینکه مقر مرکزی را به نیویورک منتقل کند رأی مثبت داد. مارکس در گزارش خود به کنگره نوشت: انتقال به آمریکا نه‌تنها امنیت سازمان را تضمین می‌کند، بلکه امکان گسترش آن در میان کارگران آمریکایی را فراهم می‌آورد. در اکتبر همان سال شورای عمومی در لندن منحل شده و در روز ۲۸ نوامبر اولین جلسه شورای عمومی در شهر نیویورک برگزار شد.

مارکس و انگلس هرچند خود به نیویورک نیامدند، اما نظارت بر اینترناسیونال اول را به دوش کشیدند. تحت نظارت آنها، شورای عمومی نشریه اینترناسیونال هرالد را منتشر کرد.

هرچند در ابتدا به نظر می‌رسید نیویورک تبدیل به محلی امن برای مارکسیست‌ها شود، ولی این اتفاق رخ نداد. منابع مالی اندک و مهاجران اروپایی پراکنده و خسته و ناامید و کم‌جان بودند و جا برای پیشرفت یک سازوکار مارکسیستی نبود. اوضاع آن‌قدر برای اینترناسیونال اول خراب بود که در سال ۱۸۷۶ و فقط چهار سال بعد، شورای عمومی رسما انحلال آن را اعلام کرد. مارکس این تجربه را گامی ضروری اما تلخ توصیف کرد. با وجود شکست مارکس و انگلس و اینترناسیونال اول، اما این تجربه تبدیل به پایه‌ای برای جنبش‌های کارگری نه‌تنها در نیویورک، بلکه در سراسر ایالات متحده شد.

کمی بعد وقتی پیروان سوسیالیست فردیناند لاسال که با مرگ تراژیکش بر سر دوئلی عاشقانه در ۳۹سالگی به چهره‌ای افسانه‌ای تبدیل شده بود، به نیویورک رسیدند، این شهر به قلب سوسیالیسم آمریکا تبدیل شد.

ظهور یک شهردار سوسیالیست

بسیاری زهدان ممدانی را ادامه‌دهنده راه جورج لان می‌دانند. در حقیقت، هرچند جورج لان موفقیت و محبوبیتی به دست آورد اما از نظر بسیاری از آمریکایی‌ها آرمان‌های او در نهایت در ایالت نیویورک شکست خوردند. همین شکست در آرمان‌ها که باعث شد پس از آن سوسیالیست‌ها بال و پر بسته باقی بمانند، بسیاری از رسانه‌های آمریکایی را وادار کرده است تا دست به یک پیشگویی زده و از همین حالا ظهور و پیروزی ممدانی را برابر با شکست نیویورک و شکست ایده‌های سوسیالیستی او بدانند.

جورج لان در سال ۱۹۱۱، زمانی که ۳۸ساله (چهار سال بزرگ‌تر از امروز ممدانی) و یک واعظ مذهبی بود، به حزب سوسیالیست پیوست و برای شهرداری شنکتدی نامزد شد. انتخاب یک سوسیالیست برای مردم شهر کوچک و صنعتی در شمال ایالت نیویورک در آن سال تازگی داشت، اما حزب سوسیالیست در آن زمان در اوج خود بود و لان مسیر سختی را در پیش نداشت.

جمعیت شنکتدی شامل مهاجرانی از ایتالیا و اروپای شرقی بود که اغلب از سوی غول‌های صنعتی تازه تأسیس آمریکایی استخدام شده بودند.

آیا تاریخ درحال تکرار است و زهران ممدانی و جورج لان بدیل یکدیگرند؟ برای قضاوت بسیار زود است، اما لان و ممدانی به‌جز ایده‌های سیاسی مشابه، در یک ویژگی با هم مشترکند و این ویژگی کاریزما و قدرت اقناع جمع است. هر دو آنها می‌توانند در سخنرانی‌هایشان غوغا به پا کنند و شهری که موتور اقتصادی آمریکا محسوب می‌شود را مجذوب خود کنند.

صحنه نبرد در نیویورک

نیویورک نماینده بیش از ۹ درصد از اقتصاد کل آمریکاست و اقتصاد آن بزرگ‌تر از اقتصاد کاناداست. این شهر کانون قدرت سیاسی است. در هیچ زمان دیگری کاخ سفید تا این اندازه در تصرف نیویورکی‌ها نبوده است. از دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده تا استیو ویتکاف نماینده او در خاورمیانه، کسانی که در نیویورک زاده شده‌اند، در دولت جای پای محکمی دارند. برای آنها، به عنوان نمایندگان سرمایه‌داری آمریکایی پذیرش زهران ممدانی هندی‌الاصل، از خانواده روشنفکر، مسلمان شیعه و سوسیالیست بسیار دشوار و چالش‌برانگیز است.

چه مردان سفیدپوست ثروتمند ساکن کاخ سفید بخواهند و چه نخواهند، نیویورک بحران‌های بزرگی دارد. یک درصد ثروتمندترین نیویورکی‌ها بیش از ۴۰ درصد از درآمد مالیاتی شخصی شهر را تأمین می‌کنند، اما شهر دیگر مانند گذشته مشاغل پردرآمد خلق نمی‌کند و برخی از ثروتمندترین ساکنان آن در حال ترک شهر هستند. در عین حال، زندگی برای نیویورکی‌های معمولی گران بوده و میانگین اجاره‌ها بیش از دو برابر میانگین ۵۰ شهر بزرگ آمریکاست. هزینه مراقبت از کودکان خردسال سالانه ۲۶ هزار دلار و هزینه حمل‌ونقل کمرشکن است.

تا اواسط دهه ۷۰ میلادی، کنترل نیویورک به دست وال‌استریت و غول‌ها نبود. در آن زمان ایالت نه مانند امروز، بلکه نقطه‌ای بود که می‌توانستید در آن به تماشای بهترین نمایش‌ها، موزه‌ها و گالری‌ها بروید بدون اینکه دلاری پول بدهید. دانشگاه‌های دولتی در حال گسترش و مهدکودک‌های رایگان خانواده‌های کم‌درآمد را همراهی می‌کردند. آنچه امروز بر سر نیویورک آمده و زهران ممدانی بابت همین موضوع توانسته تا رسیدن به مقام شهرداری بالا بیاید، نتیجه سیاست‌های جرالد فورد و بی‌توجهی‌های او به شهر است. سوسیالیست‌ها امید دارند تا ممدانی ضرب شستی به نیویورکی‌های ثروتمند نشان داده و شهر را به روزهای خوش پیشین برگرداند.

آگهی فقدان سند مالکیت موضوع ۵ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی ۱۸۳۳۸۲۹ فرعی از ۴۴۷۶ اصلی واقع در بخش ۷ تهران

نظر به اینکه خانم مژده احمدی با ارائه دوبرگ استشهادیه به شماره ۱۶۷ و ۱۶۷.۱ مورخ ۱۴۰۴.۰۷.۳۰ تائیدیه دفتر ۱۶۷۶ تهران و درخواست وارده ۲۴۹۸۲ مورخ ۱۴۰۴.۰۷.۳۰ منضم به نامه شماره ۳۶۹۱۹۵۶۲ مورخ ۱۴۰۴.۰۷.۲۷ مدعی است که سند مالکیت ۵ دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه آپارتمان مسکونی وضعیت خاص طلق با کاربری به پلاک ثبتی ۱۸۳۸۲۹ فرعی از ۴۴۷۶ اصلی ، مفروز و مجزا شده از ۷۶۹۴۴ فرعی از اصلی مذکور، قطعه ۲ در طبقه ۲ و واقع در بخش ۰۷ ناحیه حوزه ۰۰ ثبت ملک پیروزی تهران استان تهران به مساحت ۱۲۴.۴۸ متر مربع که (۳.۸۲) سه متر و هشتاد و دو دسیمتر مربع آن بالکن ، (۳.۹) سه متر و نود دسیمتر مربع آن پیشرفتگی ، است. بانضمام پارکینگ قطعه ۲ به مساحت ۱۰.۵۶ واقع درطبقه همکف مالکیت مژده احمدی فرزند فضل احمد شماره شناسنامه ۴۷۱۱۵۸۹۸۳۱ تاریخ تولد ۱۳۶۱.۰۶.۰۶ صادره از افغانستان دارای شماره ملی ۴۷۱۱۵۸۹۸۳۱ با جز سهم ۵ از کل سهم ۶ بعنوان مالک پنج دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۱۲۲۳۹۱ تاریخ ۱۴۰۲.۰۵.۱۷ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۶۹ شهر تهران استان تهران موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۱۳۲۳۷۶ سری ج سال ۰۱ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۲۲۰۳۰۱۰۴۳۰۲۲۱۸۶ ثبت گردیده است.

که مالک بعلت سرقت شدن سند مالکیت درخواست صدور المثنی سند مالکیت را نموده اند ؛ لذا مراتب باستناد تبصره یک اصلاحی مورخه ۷۲.۹.۲ ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میشود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم غیر از اسناد فوق و یا وجود سند مالکیت مذکور نزد خود می باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یاسند معامله تسلیم و رسید دریافت نمائید تا مورد رسیدگی قرار گیرد در غیر اینصورت پس از انقضای مهلت مزبور و عدم وصول اعتراض نسبت به صدور المثنی سند مالکیت طبق مقررات اقدام خواهد شد.

م الف ۱۵۱۰۱ اداره ثبت اسناد و املاک پیروزی (تهران)

شماره : ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۲۱۰۰۰۹۴۶۱ تاریخ : ۱۴۰۴/۰۷/۲۸

قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۲۱۰۰۰۸۹۹۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۱ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای علیرضا کوکلانی به شناسنامه شماره ۴۸۹۴۱ کدملی صادره فرزند یداله در قسمتی از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی بدون درج اعیانی به مساحت ۱۴۲۴.۳۱ متر مربع پلاک شماره ۳ اصلی واقع در اصفهان بخش ۲۰ حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تأئید انتقال عادی از طرف عزیز اله برهانی شیدانی که بموجب سند شماره ۱۲۷۹۳۷ مورخ ۱۳۷۱/۰۶/۲۵ دفتر ۵۶ بعنوان مالک رسمی قسمتی از پلاک مذکور میباشد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۸/۱۲ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۸/۲۷
شناسه آگهی: ۲۰۳۸۹۷۹

حمید رضا خسروی - رئیس ثبت اسناد و املاک ۴۸۳۴

آگهی دعوت مجمع عمومی

بدین وسیله از کلیه سهامداران محترم **شرکت توسعه فناوری و فرآورده های زیستی بهداد ژنتیک (سهامی خاص)** ثبت شده بشماره ۵۳۰۵۲۲ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۷۹۸۷۰۵ دعوت بعمل می آید تا درجلسه مجمع عمومی فوق العاده سهامداران شرکت که راس ساعت ۱۰:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۸/۲۴ واقع درمرکز اصلی شرکت تشکیل میگردد حضور بهم رسانند. **دستور جلسه:**

۱-پرداخت سرمایه تعهدی شرکت۲-تصمیم گیری در خصوص افزایش سرمایه شرکت۳-سایر مواردی که در صلاحیت این مجمع می باشد

هیات مدیره

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای مهدی نظری وکالتاً بموجب وکالتنامه شماره ۴۶۱۹۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۲۴ دفترخانه ۴۷۹ تهران از طرف آقای پرویز رسول زاده (مالک) طی درخواست شماره ۱۴۰۴۸۵۶۰۱۰۴۳۰۱۴۴۹۵ مورخ ۱۴۰۴.۰۵.۲۵ ضمن ارائه دو برگ استشهادیه محلی مصدق بشماره ۳۷۸۱ مورخ - یکتا بشماره ۱۴۰۴۰۲۱۵۸۴۴۳۰۰۰۱۳۲ دفتر اسناد رسمی شماره ۵۵ شهرری مدعی است که سند مالکیت ششدانگ یکدستگاه آپارتمان مسکونی واقع در سمت شمال طبقه همکف بمساحت ۴۹/۲۰ متر مربع قطعه یک تفکیکی بپلاک ۷۰۱۳ فرعی از ۴۴۹۴-اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۶۹۹ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۷ تهران بانضمام پارکینگ قطعه یک تفکیکی بمساحت ۱۰/۸۰ متر مربع واقع در سمت شمال زیرزمین ذیل شماره ۳۸۵۹۳۸ صفحه ۱۴ دفتر جلد ۲۳۷۹ املاک بشماره چاپی ۴۴۹۸۳۹ بنام آقای پرویز رسول زاده ثبت و صادر گردیده است. که به علت سهل انگاری مفقود گردیده و درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده است. لذا مراتب باستناد تبصره یک اصلاحی مورخ ۱۳۷۲.۰۹.۰۲ ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم غیر از اسناد فوق و یا وجود سند مالکیت مذکور نزد خود می باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم و رسید دریافت نمائید تا مور در سیدگی قرار گیرد والا پس از انقضای مهلت مزبور و نرسیدن واخواهی نسبت به صدورسند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد.

م الف۱۵۱۰۳ اداره ثبت اسناد و املاک پیروزی (تهران)

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۰۴۱۰۰۲۷۶۴ مورخ ۱۴۰۴.۶.۱۶ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ملک فشم تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم مژگان لواف به شماره شناسنامه ۳۴۳۰ دارای کد ملی ۰۰۵۷۰۹۵۳۱۰ صادره از تهران فرزند قنبر شش دانگ یک قطعه زمین بصورت باغچه محصور به مساحت ۳۷۴.۴۷ متر مربع پلاک ۲۸۲۸ فرعی از ۲۰ اصلی واقع در میگون بخش ۱۱ تهران تایید و رای خود را پس از وصول نامه اداره آب و اداره منابع طبیعی شمیرانات ادراه راه شهر سازی محرز گردیده است ، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه . اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند، بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد .

م الف ۱۴۶۸۸ اداره ثبت اسناد و املاک فشم (تهران)